



# نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم

مصطفی حسینی گلکار\*: دانشجوی دکتری، گروه فناوری بین‌رشته‌ای، دانشگاه تهران  
سید محسن هاشمی: دانشیار، گروه سینما و تئاتر، دانشگاه هنر تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۶۴ - ۴۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۲۶

## چکیده

روش «تحقیق موضوعی» در قرآن کریم، رویکردی جدید برای تدبر در قرآن است که در طی بیش از سه دهه گذشته توسط حلقه مطالعات قرآنی با محوریت دکتر لسانی فشارکی شکل گرفته و تکامل یافته است و امروز با اقبال گسترده‌ای از سوی دانشجویان و محققان به ویژه در حوزه مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای مواجه شده است. با این وجود، این رویکرد چالش‌های فراوان روش‌شناختی؛ دیدگاهی و آینده‌نگارانه‌ای را پیش روی خود دارد. در درجه اول، روش هنوز نواقص متعددی دارد؛ بیش از اندازه بر تداعی آزاد مبتنی شده و به منظور ارائه در قالب روش مطالعات قرآنی نیازمند تکامل است. در درجه دوم موجب بروز التقاطات فراوانی در اندیشه محققان جوانی که از این روش استفاده می‌نمایند خواهد شد و در درجه سوم به نظر می‌رسد شیوع این رویکرد منجر به پروتستانتیزم اسلامی گردد. در این مقاله ضمن بررسی اجمالی «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» به طرح مهم‌ترین مزایا و نواقص آن پرداخته شده است. در نهایت نتیجه گرفته شده است که تدبر در قرآن کریم را باید امری تشکیکی بدانیم و دارای مراتب و سطوحی که به صورت مسلّم از این منظر، تفسیر و تحقیق موضوعی نه اموری مستقل بلکه مرتبط خواهند بود.

**کلید واژه‌ها:** قرآن پژوهی؛ مکاتب تفسیری؛ روش تحقیق موضوعی؛ آینده پژوهی؛ ذهن‌انگیزی و پروتستانتیزم



## ۱- مقدمه

روش «تحقیق موضوعی» در قرآن کریم رویکردی است که توسط حلقه مطالعات قرآنی با محوریت جناب آقای دکتر لسانی فشارکی<sup>۱</sup>، دکتر مرادی زنجانی و برخی شاگردان ایشان بر مبنای روش کارگاهی و ذهن‌انگیزی به عنوان رویکردی جدید برای تدبر در قرآن در سال‌های اخیر مطرح شده است. این روش در طی بیش از سه دهه گذشته شکل گرفته و تکامل یافته است.

نسخه‌های متعدد و ویراست‌های گوناگون کتابی با عنوان «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» سال‌ها به صورت جزوه و تکثیرها در اختیار دانشجویان و عموم علاقه‌مندان قرار می‌گرفت که اکنون از طریق اینترنت در دسترس می‌باشند. به علاوه کتابی با همین عنوان در سال (۱۳۹۱) توسط انتشارات بوستان کتاب، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به چاپ رسیده و اکنون با به پایان رسیدن نسخ آن در دست تجدید چاپ است.

سال‌هاست که حلقه‌های تدبر قرآنی گوناگون و کارگاه‌های روش تحقیق موضوعی توسط دکتر لسانی و شاگردان ایشان برگزار می‌شود و امروزه با اقبال گسترده‌ای از سوی دانش‌جویان و محققان به ویژه در حوزه مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای مواجه شده است. گستره مطالعات فوق تا آنجاست که در سال‌های اخیر سائیتی با عنوان «کلام الله»<sup>۲</sup> زیر نظر دانشگاه شیخ بهائی اصفهان به منظور جمع‌آوری آن‌ها و رسانه تخصصی برخط، برای ایجاد فضای مشارکتی و تبادل نتایج این دست از تحقیقات به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی راه اندازی شده است.

اغلب تحقیقات این حوزه در فضائی میان‌رشته‌ای و در دو سطح انجام گرفته است.

۱- «تدبر در مفاهیم و اصطلاحات قرآنی» به عنوان مثال مفاهیم تدبر، تفکر، قسط، عدل، عبرت، یتیم، توکل و همچنین تدبر در آیات و سوره.

۲- «مقابله مفاهیم روز با نکات قرآنی» از جمله مدیریت در قرآن، عدالت در قرآن، قرض الحسنه، عمران در قرآن، نفاق، جنگ، محبت و عشق در قرآن و ....

این رهیافت مطالعات قرآنی مدعی تمایز با تفسیر قرآن و نیز مدعی انطباق با نظر بزرگان از اندیشمندان شیعه و مفسرین کبیر و نیز مدعی ارائه راهکار ذیل دغدغه‌های قرآنی رهبری انقلاب و دیگر بزرگان کشور است. با این وجود این رویکرد چالش‌های فراوان روش‌شناختی، دیدگاهی و آینده‌نگارانه‌ای را پیش روی خود دارد.

مقاله حاضر پس از مرور اجمالی روش و گام‌های آن به تحلیل روش‌شناختی؛ متدولوژیک و آینده‌پژوهانه آن پرداخته است تا از این طریق به مزایا و معایب روش دست یابد و همچنین امکان ایجاد فضای دیالوگ و نقادی درباب این رویکرد را در محافل تخصصی و دانشگاهی و قرآن‌پژوهان فراهم سازد، تا در درجه نخست نواقص این رویکرد برطرف شده و روش تکامل یابد و بتواند به عنوان روش معتبر قرآن‌پژوهی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

در محافل آکادمیک و بین‌المللی مطرح گردد و در درجه دوم با بررسی سیستماتیک و پویای این رویکرد برخی چالش‌های مهم و آسیب‌هایی که ممکن است در اثر شیوع غیرمتعهدانه و بدون بررسی روش پیش‌آید نیز عنوان شود. در مقاله حاضر به منظور استناد بهتر به روش مطرح شده، معرفی، نقد و بررسی آن را از طریق کتاب منتشر شده توسط بوستان کتاب انجام می‌دهیم تا علاوه بر دقت در بررسی و صحت در ارجاعات امکان تفاهم بهتر فراهم شود.<sup>۱</sup>

## ۲- شرح اجمالی روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم

کتاب مشتمل بر مقدمه، ۵ فصل، یک خاتمه و سه گزارش به مثابه پیوست می‌باشد.  
- مقدمه کتاب به بحث در خصوص فلسفه روش پرداخته است؛ اما علی‌رغم تلاش صورت گرفته به صورت صرف، برخی ادعاها عنوان شده که اثبات آنها محل تأمل می‌باشد (در ادامه مقاله به تفصیل مقدمه و مدعیات فلسفی روش را بررسی خواهیم کرد).  
- فصل اول کتاب با عنوان «مراحل مقدماتی» به بحث تدارک تحقیق و کلیات روش تحقیق موضوعی می‌پردازد.

انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلیدواژه‌های آن، آماده‌سازی اوراق اولیه تحقیق موضوعی، نگارش صفحات عنوان، تدارک فهرست آیات اصلی، تدارک فهرست سیاق‌ها و ثبت آمار و ارقام مربوط به کاربرد کلیدواژه‌های موضوعی مورد نظر در قرآن کریم مباحثی است که در مرحله مقدماتی و آغاز تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرند.

در فصل اول کتاب اهمیت انتخاب عنوان و کلیدواژگان (ص ۲۱)؛ بحث آشنایی با موضوع تحقیق و جایابی در بیان قرآن، همراه با توضیح اجمالی در باب «القرآن تبیان کل شیء» (ص ۲۲)؛ بحث در باب ترجمه کلیدواژگان تحقیق به زبان قرآن (ص ۲۶) و در نهایت بحث در باب اصول نگارش (ص ۳۳) و جمع‌آوری مطالب را در بر می‌گیرد.

- فصل دوم مجموعه‌ای از توصیه‌ها و نکات در قالب صوری و روشی برای استخراج مفاهیم آیات است. از جمله توجه دادن به نگارش متن کامل آیه، تلاوت مکرر آیه، بررسی مفاهیم آیه، یادداشت پرسش‌ها، بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن، یادداشت نظم‌ها و هماهنگی‌ها [که به ذهن می‌رسد]، نکات تکمیلی، بازنگری سراسری مفاهیم به دست آمده و در نهایت مراجعه به متون تفسیری می‌باشد؛ به تعبیری فصل دوم مشتمل بر راه‌کارهای اجرای مناسب گام‌های نظری طرح شده در فصل اول است.

- فصل سوم شیوه‌های گسترش یا فشرده‌سازی تحقیق را مد نظر دارد. این فصل با بررسی این نکته که کامل بودن تحقیق در مرحله مفهوم‌یابی محقق شده و نکاتی پیرامون گسترش تحقیق از جمله از طریق بررسی کلیدواژگان هم‌خانواده و نیز مفاهیم ملازم و همچنین مطالعه روش مند (ص ۹۳-۹۵)، گسترش تدبیر در سیاق‌ها و کل سوره و ارائه معیارهایی برای انتخاب و ترتیب مطالعه سوره (ص ۹۶) و همچنین ارائه

۱. شماره صفحات ارجاع شده در سراسر مقاله از همین کتاب است مگر غیر آن ذکر شده باشد.





الگوهایی برای فشرده‌سازی دامنه تحقیق براساس سنت نبوی در باب تقسیم‌بندی قرآن و حزب مفصل و ... (ص ۱۰۰) و نیز چکیده و خلاصه‌نویسی تدرجات در آیات سیاق آیه اصلی ادامه می‌یابد. در انتهای فصل، آسیب‌شناسی مختصری هم در باب مطالعه موضوعی قرآن و تدبر خام و غیرروش‌مند شده است (صص ۱۰۲-۱۰۵) که جای آن در مقدمه کتاب خالی به نظر می‌رسید. به علاوه به ارائه تکمله‌ای برای تعریف تحقیق موضوعی هم پرداخته شده است که در ادامه مقاله (بخش استخراج اصول) به آن اشاره خواهد شد.

- فصل چهارم با عنوان «راهکارهای تدوین و تألیف» به کلیات بحث تدوین و دستاوردهای تدرجات صورت گرفته در قالب مقاله یا کتاب پرداخته است.

مطالب اصلی عبارتند از: آیات و تدرجات به مثابه منابع گردآوری شده؛ نحوه فهرست‌گذاری و باب‌بندی بحث؛ اشاره به بخش‌های لازم و تکمیلی مقاله/کتاب که از علوم دیگر استخراج می‌شوند؛ شناسه/کدگذاری مفاهیم به دست آمده؛ نگارش مقاله و توصیه‌ها و یادآوری‌های نگارشی.

در نهایت این فصل با اشاره به برخی مراکز علمی که پایان‌نامه‌هایی با این روش تدوین کرده‌اند و همچنین کارگاه‌هایی که در این خصوص برگزار شده است و شیوه برگزاری جلسات آنها، خاتمه می‌یابد.

- فصل پنجم: نمونه‌هایی از تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ در هفت موضوع به ارایه برخی از تحقیقات قرآنی دانشجویان که با روش تشریح شده در فصل‌های قبل انجام گرفته است می‌پردازد.

هر یک از عناوین، مشتمل بر بیان موضوع، فهرست و جداول آیات، نمونه عملی نحوه نگارش اوراق مفهوم‌یابی، یادآوری و توصیه‌ها و در نهایت مقاله تدوین شده در موضوع است.

عناوین مذکور عبارتند از: ۱- یتیم در قرآن؛ ۲- توکل در قرآن؛ ۳- سیمای منافقان در قرآن؛ ۴- عمران در قرآن؛ ۵- مدیریت در قرآن؛ ۶- شفاء در قرآن؛ ۷- نماز در قرآن.

- خاتمه کتاب کوتاه و تنها یک صفحه بوده و از نوع نتیجه‌گیری‌های متداول در کتب نیست و صرفاً اشاره‌ای دارد به این که کتاب از نوع راهنمای تحقیق به حساب می‌آید.

در نهایت به مثابه پیوست کتاب، سه گزارش کوتاه از طرح‌های در حال اجرای نگارندگان و همکارانشان در خصوص «آموزش زبان قرآن»؛ «سوره‌شناسی / قرآن‌شناسی تفصیلی» و «تفسیر سوره شناختی آیات» آورده و آرزو شده است که این تحقیقات بتوانند در جایگاه مکملی برای روش تحقیق موضوعی قرار گیرند.

### ۳- استخراج برخی از اصول موضوعه روش

به‌طور مرسوم و براساس فلسفه و معرفت‌شناسی علم رایج، می‌توان هر نظام فکری را در قالب سیستم اصل موضوعی (آکسیوماتیک) ارائه داد. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم نیز که از سوی پدیدآورندگان آن یک نگره فکری محسوب می‌شود، در چنین قالبی می‌تواند نگاشته شود.



اگرچه بحث در باب اصول موضوعه روش، از سوی مبدعان آن به صورت مستقل مطرح نشده و حتی به صورت متداول در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایشان به صراحت خود را فارغ از هر گونه بحث فلسفی / روشی دانسته‌اند اما می‌توان برخی از اصولی را که در خلال مباحث‌شان تصریح و تأکید داشته‌اند به عنوان اصول موضوعه استخراج نمود.

همان‌گونه که در تلخیص فصل دوم کتاب روش تحقیق موضوعی اشاره شد؛ تعریف نگارندگان کتاب از روش خود، بدین شرح است: تحقیق موضوعی یعنی شناخت جایگاه، معنا، مفهوم و کاربرد دقیق کلمه موضوع مورد نظر در قرآن ... (ص ۱۰۳).

اصل روش مند بودن تدبیر در قرآن کریم نیز از اصول مهم حلقه است؛ به باور دکتر لسانی «قرآن، ناطق هست؛ اما اگر روش نداشته باشیم برای ما صامت است».

حلقه روش تحقیق موضوعی، خود را بی‌نیاز و مبرا از تدقیق مبنایی و فلسفی روش خود می‌داند و باور دارد که همچون «آفتاب آمد دلیل آفتاب» توفیقاتی که در هنگام تدقیق قرآنی از طریق روش ایشان برای محقق حاصل می‌شود مهمترین دلیل صحیح بودن روش است. [به این مسأله در بحث نقد و بررسی باز خواهیم گشت]

یک فرض اخلاقی - عرفانی نیز در اصول این روش می‌توان دید و آن این است که مفروض گرفته شده که اگر فرد با صفای قلبی و اخلاص در پیشگاه قرآن حاضر شود و از روش تحقیق موضوعی استفاده نماید؛ به حتم دستاوردهای او و الهامات و واردات قلبی و ذهنی‌اش صواب خواهد بود!

مبدعان این روش، تدبیر قرآنی از طریق روش تحقیق موضوعی را غیر از تفسیر و در نتیجه غیر از تفسیر به رأی می‌دانند. هم‌چنین معتقدند که این روش هم‌سو با دعوت عمومی قرآن کریم به تدبیر در خود و همچنین مطابق با سنت و سیره و نیز در راستای مطالبات قرآنی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) است.

مبدعان، نه تنها هیچ‌گونه دانش عربی و آشنائی با تفسیر و ... را در راستای تدبیر قرآنی لازم نمی‌دانند بلکه در اساس، آن‌ها را سد راه و باری بر دوش محقق می‌انگارند.

تشخیص؛ استخراج و معادل‌گزینی درست واژگان کلیدی تحقیق با مفردات مناسب قرآنی، نقطه کانونی روش تحقیق موضوعی است.

دکتر لسانی آشنایی با زبان عربی را شرط لازم تدبیر در قرآن نمی‌داند و مدعی‌اند که زبان قرآن مستقل از لغت عرب قابل فهم و تعلیم و تعلم است.

با این وجود، به اصل اهمیت واژگان قرآنی به این قرار معتقدند: حساسیت داشتن نسبت به واژگان قرآنی و این که به حتم بحث حول مفردات قرآنی شکل گیرد<sup>۱</sup>

اصل دیگر در اندیشه دکتر لسانی باور به این امر است که اسلوب اصلی قرآن کریم تمثیلی و استعاری است. اصل دیگری هم که می‌توان در این خصوص به آن اشاره کرد؛ توجه به تکرار و بررسی متناوب و مکرر

۱. به عنوان مثال در بحث مدیریت در قرآن معتقدند که دسته‌بندی و مقوله‌ای با عنوان «تخصص و تعهد» اساساً در قرآن وجود ندارد و چون از مفردات قرآنی استخراج نمی‌شود؛ قابل استناد نیست.



آیات برای نزدیک شدن به مراد قرآن کریم است که خود مبتنی بر اصل تصریف می‌باشد. اصل دیگر که در روش تحقیق موضوعی مورد تأکید قرار گرفته است تقدم تدبر بر تفسیر می‌باشد.<sup>۱</sup> (در بخش نقد و بررسی این مسأله تشریح خواهد شد).

#### ۴- نقد و بررسی مقدمه و فلسفه روش

آن‌گونه که اشاره گردید تنها بحث فلسفی و مبنایی که در خصوص روش تحقیق موضوعی از مبدعان و نگارندگان آن سراغ داریم همان است که در مقدمه کتاب ایشان به‌طور اجمال آورده شده است. همچنین اشاره شد که حلقه روش تحقیق موضوعی، خود را ملزم به بحث مبنایی ندانسته و صحت رویکرد خود را به توفیقات حاصل از آن ارجاع می‌دهند.

#### ۴-۱- مسأله اول

اگرچه مبنای سنجش و تأیید این توفیقات مشخص نیست، اما به هر حال نمی‌توان منکر شد که این استدلال نوعی تمسک به معیارهای صدق پراگماتیستی<sup>۲</sup> است که مزایا و معایب آن در جای خود و در کتب منطقی‌نویین به تفصیل بررسی شده است. (حسینی گلکار، ۱۳۹۳: ۱۴۳) خلاصه آن که این مبنای صدق عمل‌گرایانه هیچ الزامی برای انطباق با حقیقت ندارد.

#### ۴-۲- مسأله دوم

مسأله بعدی آن است که نگارندگان با نقل کلامی از رهبر فقید انقلاب امام خمینی (ره)، از جملات ایشان برداشت خاصی نموده‌اند که محل تأمل است.

ایشان به نقل از کتاب آداب الصلاه آورده‌اند: «یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آن که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند. در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد... یک مطلب مهمی را باید در نظر بگیری که با توجه به آن راه استفاده از کتاب شریف، بر تو باز شود و ابواب معارف و حکم بر قلبت مفتوح گردد. و آن، آن است که به کتاب شریف الهی، نظر تعلیم داشته باشی و آن کتاب را کتاب تعلیم و افاده بدانی و خود را موظف به تعلم و استفاده

۱. به عنوان مثال دکتر لسانی در کتاب روش تحقیق موضوعی آورده‌اند که: «اما آنچه در وهله نخست حائز اهمیت است، تدبر و دقت در آیات قرآن و مفهوم یابی مستقیم و بی واسطه از آنهاست؛ یعنی شخص محقق ابتدا خود بدون تأثر از نظرات مفسران باید بکوشد از آیات قرآن مستقیماً نکته یابی و مفهوم‌گیری کند... پس از طی این مرحله می‌تواند و بسیار شایسته است که از تفاسیر مختلف نیز بهره‌مند گردد» [لسانی فشارکی، ۱۳۹۱: ص ۱۳].

۲. در این معیار از صدق آنچه صادق بودن و درستی یک گزاره یا مفهوم را معین می‌نماید کاربرد و سودمندی آن است.

بدانی و مقصود ما از تعلیم و تعلّم و افاده و استفاده آن نیست که جهات ادبیت و نحو و صرف را از آن تعلیم بگیری یا فصاحت و بلاغت و نکات بیانیّه و بدیعیّه از آن فراگیری یا در قصص و حکایات آن به نظر تاریخی و اطلاع بر امم سالفه بنگری، هیچ یک از اینها داخل مقاصد قرآن نیست و از منظور اصلی کتاب الهی به مراحل دور است. و این که استفاده ما از این کتاب بزرگ بسیار کم است، برای همین است که یا به آن نظر تعلیم و تعلّم نداریم، چنان که غالباً به این طوریم - ... و یا اگر نظر تعلیم و تعلّم داشته باشیم، با نکات بدیعیّه و بیانیّه و وجوه اعجاز آن، و قدری بالاتر، جهات تاریخی و سبب نزول آیات و اوقات نزول و مکی و مدنی بودن آیات و سوره، و اختلاف قرائات و اختلاف مفسرین از عامّه و خاصه و دیگر امور عرضیه خارج از مقصد که خود آنها موجب احتجاب از قرآن و غفلت از ذکر الهی است، سروکار داریم. بلکه مفسرین بزرگ ما نیز، عمده هم خود را صرف در یکی از جهات یا بیشتر کرده و باب تعلیمات را به روی مردم مفتوح نکرده‌اند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸).

از مجموع این بیان و برخی اقوال دیگر مرحوم امام، حلقه روش تحقیق به این اصل خود رسیده‌اند که در درجه اول تحقیق موضوعی معادل با تدبیر و در ثانی در مقابل تفسیر موضوعی است (ن.ک: ص ۱۵). اما دقت در کلام امام خمینی (ره) نکاتی را برجسته می‌نماید که استنتاج دکتر لسانی و همکاران را از این کلام به نحو یاد شده ناصواب می‌نمایاند.

اول؛ جایگاه بحث حضرت امام در کتاب آداب الصلاه و ذیل بحث توجه در قرائت و تدبیر در نماز است. دوم؛ مخاطب امام در اکثر موارد مرحوم حاج احمد آقا یا شخصی در این حد از دانش معارفی بوده است. سوم این که نباید فراموش نماییم که حضرت امام (ره) با همه مقام فقهی و عرفانی‌شان به هر حال در گفتار خود در مقام مفسر قرآن آن گونه که به عنوان مثال در خصوص علامه طباطبائی (ره) می‌انگاریم، نبوده‌اند.

#### ۳-۴- مسأله سوم

استدلال دیگر ارایه شده در کتاب، بر مبنای دعوت قرآنی «افلا یتدبرون القرآن» بنا شده است و باز هم ادعا شده که تدبیر روش تحقیقی در قرآن به هیچ وجه از سنخ تفسیر به رأی نبوده و بی خطر است. (ص ۱۸) اما تشبیه به این آیه مبارکه نیز نمی‌تواند منتج به ادعای محققان شود؛ چرا که مخاطبان اولیه آن اعرابی هستند که حداقل سه شرط لازم را داشته‌اند:

۱- آشنا به زبان عربی بوده‌اند؛

۲- با شأن نزول آیات آشنا بوده‌اند؛

۳- دسترسی به مفسر اصلی قرآن یعنی شخص رسول اکرم (ص) داشته‌اند.

#### ۴-۴- مسأله چهارم

مسأله دیگر بررسی ادعای تقدم تدبیر بر تفسیر در روش تحقیق موضوعی است. به رغم ارایه این اصل و دفاع از آن در میان حلقه تحقیق موضوعی به نظر نمی‌رسد که مبدعان خودشان به الزامات این اصل و ادعا پای بند بوده باشند.

اول این که مشخص نیست که مراد از تقدم در اینجا تقدم زمانی است یا تقدم ارزشی؟

دومین مورد به این نکته اشاره دارد که نگارندگان به صراحت، رجوع به مفسران را امری ثانویه دانسته‌اند؛





اما خودشان در سراسر تحقیق خود به خبرگان ارجاع می‌دهند و در حقیقت تدبر را بی‌نیاز از راهنمایی آنان نمی‌دانند. از جمله در «ترجمه لغات تحقیق به زبان قرآن» (ص ۲۶)؛ در بحث راه‌های دیگر دست‌یابی به فهرست آیات (ص ۳۲) که رجوع به علماء و تفاسیر را راهکار دانسته است.

هم‌چنین در سراسر تحقیق، سطحی از دانش قرآنی مفروض گرفته شده است که بازهم مغایر ادعای اولیه رجوع بدون سابقه است؛ به عنوان مثال آن‌گونه که آمده برای بررسی واژگان کلیدی (صص ۴۱-۴۲) سطحی از دانش عربی لازم است.

بحث شناسایی سیاق آیات (ص ۴۳) دانستن نام دوم سوره‌ها «مثالی که آورده شده است و نام دیگر سوره مبارکه محمد (ص)، قتال است» (ص ۵۱)؛ بحث در کف فرازهای آیات (ص ۷۲)؛ بحث در کف نظم و هماهنگی‌های لفظی و معنوی آیات (ص ۸۷) و در نهایت اشاره به رجوع به ترجمه‌ها در تفاسیر برای افزایش ضریب اطمینان (ص ۹۱). فقط نمونه‌ای از موارد نیاز به رجوع به متخصصان در خلال تحقیق موضوعی است.

لازم به ذکر است در حلقه‌ها و کارگاه‌هایی که با عنوان تحقیق موضوعی نیز برگزار می‌شوند، محوریت جلسه که معادل تسهیل‌گر است، فردی خبره می‌باشد (در تحلیل متدولوژیک به این مسأله باز خواهیم گشت).

#### ۴-۵- مسأله پنجم

در نهایت برخی استنباط‌ها و تجویزات دکتر لسانی در مقدمه کتاب قابل تأمل است. ایشان می‌نویسند: «اگر هم بر فرض در استنباط یکی از مفاهیم خطا کنیم؛ نه آسمان به زمین می‌آید و نه زمین به آسمان می‌رود و نه اسلام و نه قرآن به خطر می‌افتند؛ بلکه به مرور یا خودمان در ادامه تحقیق با بررسی سایر آیات به خطایمان پی می‌بریم یا تحقیقمان را به کسی که آگاه‌تر از ماست ارائه می‌دهیم تا ما را به خطایمان واقف کند و یا این که بعداً دیگران با تحقیقات خود نقائص تحقیق ما را تکمیل و خطایمان را تصحیح می‌کنند».

مهم آن است که با قلب بدون «زیغ» به سراغ قرآن برویم و خالصانه ابرهای پربرکت و باران‌زای آیات الهی را بر زمین تفتیده و خشکیده وجودمان به بارش در آوریم. فرق تدبر با تفسیر به رأی در همین جاست. نباید این دو را به حساب هم گذاشت. تفسیر به رأی یعنی این که با غرض خاصی به سراغ قرآن برویم و عقاید خودمان را بر کتاب خدا تحمیل کنیم و بافته‌های ذهنمان را به نام قرآن عرضه کنیم. تفسیر به رأی، حرف در دهان قرآن گذاشتن است و تدبر، حرف از دهان قرآن برداشتن است. تفسیر به رأی «بافتن» است، اما تدبر «یافتن» می‌باشد. این یکی دست پخت خود را بر سر سفره قرآن خوردن است، آن یکی بر سر سفره پر از غذاهای رنگارنگ قرآن نشستن و آرام آرام لقمه برداشتن است. بنابراین همان‌گونه که حضرت امام (ره) می‌فرمایند؛ نباید میان این دو خلط کنیم و خودمان و دیگران را از این خوان گسترده پر نعمت، این‌گونه محروم سازیم.

مع الوصف می‌توانیم با اضافه کردن عباراتی همچون: گویی، چه بسا، شاید، به نظر می‌رسد و ...، در ابتدای مفاهیمی که در صحت آن‌ها تردید داریم، یا بهتر و دقیق‌تر از آن با درج علامت سوال داخل پرانتز

در آخر این قبیل مفاهیم، خیال خودمان را از شایبه هرگونه تفسیر به رأی راحت کنیم. باید در نظر داشت که در جریان تدبیر، همین مجموعه سعی‌ها و خطاهاست که ما را با قرآن مأنوس می‌کند، نه فقط یافته‌های صحیح. هم‌چنان که دانشمند علوم طبیعی وقتی در مورد پدیده‌ای تحقیق می‌کند و بعد از مدت‌ها با آن پدیده مأنوس می‌گردد، شکی نیست که او... (صص ۱۸-۱۹)

در باب نقد و بررسی این کلام جای بحث فراوان است اما برخی موارد ضروری‌تر عبارتند از:

۱- آیا چنین برداشت و تعریفی از تحقیق موضوعی تفاوت مبنایی با تعریف تفسیر به عنوان برداشتن نقاب از چهره دارد؟

۲- به لحاظ اخلاق نظری، عملی و حرفه‌ای تجویزهای ذکر شده هیچ‌گونه توجیهی ندارند. ما بر اساس هیچ معیار اخلاقی مجاز به آزمون و خطا در فهم نیستیم و شایسته آن است که برای تدبیر و فهم از طریق مناسب آن وارد شویم. (گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۶۶)

۳- بر اساس کدام استدلال و مبنا می‌توان مدعی شد که مرور و گذشت زمان منجر به اصلاح اشتباهات می‌گردد؟

کی و چگونه؟ آیا در اساس برای این ملازمه شاهدهی وجود دارد؟ آیا این برداشت هم به نوعی در ساحت قبض و بسط تئوریک شریعت قرار نمی‌گیرد؟

اغلب این‌گونه بوده است که مرور زمان موجب انباشت بیشتر اشتباهات گشته است.

۴- مقصود از دیگران که باید بیایند و اشتباهات ما را اصلاح کنند کدام دیگران هستند؟ و آیا در اساس احاله اصلاح اشتباهات به دیگران صحیح و اخلاقی است؟ آیا بیشتر ممکن نیست که دیگران هم راه اشتباه ما را به عینه پیش گیرند؟

۵- در این‌گونه مباحث تطبیقی، چه تضمینی وجود دارد تا ما با فرد آگاهی‌رو به رو شویم تا ایشان فرصت اصلاح اشتباهات ما را داشته باشد و این اتفاق در صورت رخ دادن تا چه حد زمان صرف خواهد کرد؟ این فرد آگاه را چگونه و از کجا بیابیم؟

تا چه اندازه افراد متخصص، خبره و آگاهی‌وجود داشته و در دسترس هستند؟

به فرض که چنین رویکردی شایع شود آن‌گاه آیا آن معدود افراد آگاه فرصت و مجال کافی اصلاح همه این موارد را خواهند یافت؟

آیا محقق با علم ناقص خود، تواضع لازم برای رجوع به آن فرد آگاه را دارد؟

به بیان خلاصه فرض این که محقق قرآنی صرفاً با تواضع قلبی و نیست خالص ابتدایی، تا انتها، راه را خواهد یافت کمی دور از ذهن است. به نظر می‌رسد این فرض البته ناخودآگاه ریشه در پذیرش عرفان اویسی، منسوب به اویس قرنی دارد.

۶- به هیچ عنوان نمی‌توان مؤلفه‌ها و شاخص‌های تفسیر به رأی را به صورت صرف اخلاقی دانست تا تنها با اجتناب از آن‌ها در ورطه تفسیر به رأی نیافتیم. به بیان دیگر «مغرضانه بودن» تنها شاخص تفسیر به رأی نیست. به ویژه که دانش هرمنوتیک (گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۹۳) و به ویژه بحث حیث‌التفاتی و تأثیر پیش فرض‌ها و ذهنیت‌های ما در تفسیر ما را متذکر عوامل دخیل در تفسیر به رأی می‌نمایند.



۷- علاوه بر این، مقایسه روش تحقیق و تدبر در قرآن با رویکردهای دانشمندان تجربی نیز باید با دقت نظر بیشتری همراه باشد یا حداقل به گونه‌ای آنالوژیک<sup>۱</sup> صورت پذیرد.

۸- نهایتاً آن که «گذشتن علامت سوال» برای این امر مهم کفایت نمی‌کند.

### ۵- بررسی متدولوژیک روش

روش تحقیق موضوعی به‌ویژه در ساحت عمل که بر مبنای برپائی کارگاه‌های تلفیقی / تطبیقی با حضور گسترده‌ای از علاقه‌مندان و دانشجویان و گاهی اوقات متخصصان اجرامی‌گردد، از حیث تحلیل متدولوژیک و روش‌شناختی در زمره روش‌های مبتنی بر ذهن‌انگیزی<sup>۲</sup> قرار می‌گیرد. (حسینی گلکار، ۱۳۹۳: ۱۵۴) این روش‌ها که امروزه برای حل خلاقانه مسایل در گستره متنوعی از کاربردها و شاخه‌ها و مسایل به کار می‌روند ریشه در باور به تداعی آزاد و قدرت ناخودآگاه و تفکر جمعی و هم‌اندیشی دارند. تحلیل کامل این گونه روش‌ها در کتب روش‌شناسی علوم اجتماعی در دسترس است اما آنچه برای ما مهم می‌باشد آن است که در درجه اول این روش نیازمند تسهیل‌گر<sup>۳</sup> می‌باشد که اغلب فردی متخصص است و این مغایر با اصول موضوعه مفروض روش تحقیق موضوعی خواهد بود. دوم این که خطر ابتلا به التقاط فکری در صور گوناگون آن در اجرای این روش بسیار زیاد است. سوم این که برپایی موفق آن به صورت کامل، تخصصی، زمان و هزینه‌بر است و چهارم این که توافق حاصله در بحث جمعی از این دست را نباید معادل اعجاز قرآن پنداشت.

هم‌چنین بایستی اشاره کرد که از حیث تحلیل متدولوژیک؛ ذهن‌انگیزی، پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های قبلی در روش کارگاهی بیش از روش تفسیر عادی در امر تدبر اثرگذارند و لذا ولو به‌طور ناخودآگاه تفسیر به رأی را در پی خواهند داشت.

هم‌چنین نباید از نظر دور داشت که فرآیند تسهیل‌گری به‌ویژه آن‌گونه که در کارگاه‌های روش تحقیق موضوعی دیده می‌شود،<sup>۴</sup> جهت‌دهنده بوده و مقوله‌ای بی‌طرفانه محسوب نمی‌گردد.

از سوی دیگر؛ این ذهن‌انگیزی‌ها به‌ویژه در کارگاه‌های جمعی از آن‌جا که برپایه مسأله و پرسش مشخص قرار ندارند؛ به دانش‌ها و گزاره‌های توتولوژیک<sup>۵</sup> می‌انجامند (حسینی گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۵۵) و چندان دستاورد ناظر به عمل جدیدی برای شرکت‌کنندگان ندارند؛ اگرچه خوانش صرف آیات و نیز

1. Analogical (حسینی گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۸۹)

2. Brain-Storming (بارش فکری - طوفان فکری)

3. Facilitator

۴. این مسئله تاحدی است که شرکت‌کنندگان احساس می‌نمایند که تسهیل‌گر، متکلم و حده بحث قرار گرفته است.

۵. مراد از گزاره‌های «توتولوژیک» (Tautology) و یا این «همان‌گوئی» یا «همان‌گو» در حقیقت گزاره‌هایی هستند که با هر تعبیری برای منطق گزاره‌ها یا ارزش آن‌ها همواره صادق هستند. و به نوعی در موضوع مورد بررسی ما گرفتار مصادره به مطلوب بوده و به تعبیری همواره راست‌گو تلقی می‌شوند؛ لذا بررسی آن‌ها محک هیچ‌سنخی از تجربه قرار نگرفته و چیزی به دانش ما اضافه نخواهد کرد.



استخراج فهرست از مجموع گزاره‌های مطرح شده ذکر شده می‌توانند شاخص‌ها یا واژگان کلیدی بحث را به دست دهند.

به‌علاوه اگرچه ذهن‌انگیزی موجب بسط و گسترش سطحی بحث‌ها و مطالب می‌شود اما به دلیل گذرا بودن و نداشتن تعمق که خود ریشه در نداشتن زمینه مناسب و دانش و تخصص لازم دارد؛ چندان در عمق و لایه‌های عمودی ریشه نمی‌دواند.

درخصوص ذهن‌انگیزی به عنوان اصل محوری روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ همچنین لازم به ذکر است که در قالب تحقیقات کاربردی و ناظر به حل مسأله، این رویکرد به‌ویژه هنگامی که به‌صورت کارگاهی انجام پذیرد؛ بسیار زمان بر می‌باشد.

نکته دیگر که در تحلیل متدولوژیک تحقیق موضوعی لازم به ذکر می‌آید؛ جزئی‌نگر بودن تحقیق است. هرچند روش کارگاهی و تداعی آزاد گستره موارد مطرح شده را افزایش می‌دهد اما از آن‌جا که افراد دید کلی و احاطه حداقلی به مجموع دیدگاه قرآن درخصوص موضوع ندارند؛ لاجرم ماحصل کار نیز جزئی‌نگر است. همچنین مؤلفان تمایل دارند تا رویکرد خود را نزدیک به روش دو مفسر کبیر معاصر مرحومان شهید صدر و علامه طباطبائی (ره) و به نوعی هم‌سو با آن‌ها بدانند؛ اما تبیین این ادعا در جایی صورت نگرفته است.

## ۶- نکات تکمیلی که درباب روش به ذهن می‌رسند

همان‌گونه که اشاره شد، روش تحقیق موضوعی نیز مانند هر رویکرد دیگری با خوانش‌های متعدد و نیز با روندی رو به تکامل مواجه است و نقادی و بررسی آن می‌تواند در بهبود روش و تجدید نظر در برخی اجزا مفید و راه‌گشا باشد.

فارغ از این دیدگاه، برخی مؤلفه‌های روش به سادگی قابل ارتقا هستند که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱- نمی‌توان هیچ روشی را بی‌نیاز از تأملات مبنایی و به تعبیری فلسفی دانست و رویکرد حاضر نیز بایسته است که به این مباحث توجه بیشتری نماید.

۲- درخصوص انتخاب کلیدواژگان (بحث فصل اول، مراحل مقدماتی) به نظر می‌رسد یکی از منابع تهیه واژگان کلیدی یا آیات و ... می‌تواند سنت و کتب حدیث باشد که به این مسأله توجه نشده است.

۳- بایستی جایگاه دقیق نخبگان قرآنی در روش و نیز نسبت صحیح تر آن با تفسیر بررسی شود.

## ۷- جمع‌بندی روش

روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم به بیان اجمالی، گونه‌ای راهنماست که با هدف چگونگی و شناسایی تحقیق موضوعی در قرآن، روش‌های تحقیق قرآن و معرفی مراحل تحقیق نگاشته شده است. در بخش نخست، مراحل تحقیق موضوعی در قرآن تشریح گردید. این مراحل شامل مرحله‌ی مقدماتی، مرحله‌ی مفهوم‌یابی، مرحله‌ی گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی و مرحله‌ی تدوین و تألیف است.



در مرحله‌ی مقدماتی این اطلاعات ذکر گردیده است: انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلید واژه‌های آن؛ آماده‌سازی اوراق اولیه‌ی تحقیق موضوعی؛ نگارش صفحه‌ی عنوان و ثبت گزارش آغاز تحقیق؛ تدارک فهرست آیات اصلی و فهرست سیاق‌ها؛ ثبت آمار و ارقام مربوط به کاربرد کلیدواژه‌ها. مرحله‌ی مفهوم‌یابی نیز مشتمل است بر: نگارش متن کامل آیه، تلاوت مکرر آیه، بررسی مفهوم آیه، یادداشت پرسش‌ها، بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن، یادداشت نظم‌ها و هماهنگی‌ها در آیات قرآن، و چند نکته‌ی تکمیلی در حین تحقیق (به خاطر سپردن مفاهیم و پرسش‌ها، از بر کردن آیات اصلی، و نگهداری ترتیب و ترکیب دست‌نویس‌های تحقیق، بازنگری سراسری مفاهیم به دست آمده، و مراجعه به متون تفسیری). در مرحله‌ی بعدی نیز راه‌های گسترش تحقیق موضوعی، هم‌چنین راه‌های فشرده کردن آن بیان شده است. مرحله‌ی تدوین و تألیف نیز شامل تدارک طرح بخش‌ها و فصل‌ها، کدگذاری مفاهیم به دست آمده، و نگارش متن است. در بخش دوم کتاب، نمونه‌هایی از تحقیق موضوعی در قرآن معرفی شده است.

#### ۷-۱- مزایای روش

- شایسته است ابتدا فهرست‌وار به مزایا و محاسن روش ارائه شده توسط دکتر لسانی اشاره نمائیم.
- ۱- دغدغه «تدبر» عمومی به‌ویژه برای جوانان سراسر جامعه در کلام الهی و اهمیت «روش‌مند» بودن، مهمترین محاسن رویکرد حلقه روش تحقیق موضوعی می‌باشند.
  - ۲- عمل‌گرا و الگوریتمیک بودن روش که امکان تحقیق گام به گام مطابق آن را برای خواننده فراهم می‌نماید.
  - ۳- پیوستگی منطقی اثر و بیان روان آن.
  - ۴- اشاره به برخی مباحث مهجور مانده مانند سیاق و رکوعات قرآنی (صص ۴۴-۴۵ و ۵۳ و ۷۳ و ۷۷).
  - ۵- اشاره به برخی اعجازهای قرآن.
  - ۶- برخی ظرافت‌های ادبی در بحث (مثلا ص ۵۱: الفبای نیکوکاری).
  - ۷- توجه به نکات صوری تحقیق؛ اگرچه امروزه گسترش کاربرد رایانه و نرم افزارهای تخصصی تحقیق خیلی از این مباحث را آسان کرده است.
  - ۸- اشاره به اهمیت تلاوت قرآن (ص ۶۴).
  - ۹- افزودن مثال‌های مناسب در هر بحث ... (چنانکه متداول اغلب کتابهای روش تحقیق است).
  - ۱۰- توجه به تکاملی و تدریجی بودن تحقیق (مثلا در ص ۷۳).
  - ۱۱- استمرار تحقیق / کتاب از طریق برگزاری کارگاه‌ها و نیز از طریق تالارهای گفتگوی فضای مجازی.
  - ۱۲- روان؛ موجز و سلیس بودن بیان نگارندگان.
  - ۱۳- ارائه معیارهایی (شناسایی نقاطی) که نشان‌دهنده لازم و کافی بودن میزان تحقیق و کامل بودن تحقیق باشند و نیز بحث جهت تکمیل و گسترش یا فشرده سازی تحقیق.
  - ۱۴- اشاره و باور به این مسأله که موضوع تحقیق، پیشنهادها و دستاوردهای آن می‌تواند در آینده از سوی ما و یا دیگران پیگیری و گسترش یابند.

۱۵- استفاده از سنت نبوی در باب تقسیم بندی صوری قرآن کریم از جمله سیاق‌ها و حزب مفصل<sup>۱</sup> و ...  
۱۶- قدرت اقناعی بالای نتایج روش تحقیق موضوعی برای افراد شرکت کننده در مباحث (بویژه بصورت کارگاهی) ..

۱۷- گسترش کمی دستاوردها بدلیل استفاده از متد ذهن انگیزی ..  
و موارد دیگر ..

## ۲-۷- معایب و نواقص روش

در این بخش به نقطه عطف مقاله و ارائه نواقص روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم خواهیم پرداخت. برخی از این نکات صوری و قابل اصلاح هستند (پیشنهادات) و برخی دیگر نواقص روشی قابل تکمیل با افزودن و تدقیق متدولوژیک (ابهامات) اما برخی از این ایرادها مبنایی بوده و چالش‌های اساسی آینده روش هستند (مخاطرات). این موارد به هیچ عنوان قابل اغماض نیستند؛ نیل به پروتستانتیزم؛ التقاط‌گرایی و جزئی‌نگری از جمله این چالش‌ها محسوب می‌گردند.

۱- اشاره شد که روش تحقیق موضوعی جزئی‌نگرانه و تقلیل‌گرایانه (فروکاستی) است هرچند بحث سیاق‌ها (مثلا ص ۷۴ و ص ۱۰۲) و بحث ملازمه برخی مفاهیم با یکدیگر در قرآن کریم (صص ۷۸-۷۹) می‌تواند تاحدی این نقص را بهبود بخشد.

۲- در برخی موارد قیاس‌هایی صورت گرفته که چندان مناسب نیستند و حتی ممکن است با توجه به منطق کلام الهی نادرست باشند؛ از جمله در قیاس قرآن آموز با دانشمندان تجربی (ص ۱۹) (ن.ک: محمدرضایی و گلکار، ۱۳۹۳: ص ۲۱۰ و آملی لاریجانی، ۱۳۷۷) و یا مقایسه نحوه چینش و ترتیب نگارش مطالب مقالات و کتب (آیین نگارش) با زبان قرآن (صص ۸۱-۸۲).

۳- روش برگزاری جلسات و کارگاه‌های اشاره شده (مثلا در صص ۱۱۵-۱۱۶) همان متد متداول ذهن انگیزی (بارش فکری) است که به این نکته و تشابه/ تمایزات آن اشاره ای نشده است.

۴- آن گونه که در بررسی اصول روش و نقد و بررسی مقدمه گذشت؛ مفروضاتی از روش از جمله: تقدم تحقیق بر تفسیر، امکان فهم بدون تدارک هیچ مقدمه ای و... تا حد زیادی روش را به فضای پروتستانتیزم سوق می‌دهد<sup>۲</sup>.

۵- از سوی دیگر مخاطره مهم دیگر پس از پروتستانتیزم، التقاط‌گرایی است؛ دعوت از جوانان برای تدبر مستقیم و تخصصی در قرآن، آفت ثانویه دیگری هم دارد؛ از آنجا که جوانان اغلب در رشته مورد

۱. از سوره مبارکه ق تاناس.

۲. قضاوت ارزشی در باب پروتستانتیزم خارج از بحث مقاله حاضر است.. اغلب تقریرات از نگره «پروتستانتیزم اسلامی» را مخالفان آن مطرح کرده و بسط داده اند مع الوصف در توضیح ماهیت این اندیشه و جریان فکری بایستی اشاره کرد که متأثر از جریان پروتستان در جهان مسیحیت و جان کالون و مارتین لوتر است که بر مبنای اصل مستقل کردن دین و فهم آن از انحصار کلیسا شکل گرفت و در گام اول به ترجمه متون مقدس دست زده و خواندن و تأمل در آن را برای همه مؤمنان بدون اشراف علمای کلیسا جایز دانست. برخی متفکران ریشه‌های پروتستانتیزم اسلامی را به اندیشه‌های مرحوم دکتر شریعتی نسبت داده‌اند.





- مطالعه‌شان که یا از علاقه یا از زمینه تحصیلی برخاسته هنوز متخصص نیستند و گاهی اوقات برداشت ناقص و حتی نادرست از دستاوردها و دقایق علمی رشته خود دارند؛ قادر نخواهند بود برداشت صحیحی از آیات ناظر به آن بحث داشته باشند و نتیجه آن مجموعه‌ای از ادراکات التقاطی خواهد شد.<sup>۱</sup>
- ۶- همچنین آن‌که آیا آن‌چه جوانان و نوجوانان (غیر متخصص) از تدبر در قرآن کریم نیاز دارند افزون‌تر از مباحث عمومی ایمانی و اخلاقی و اجتماعی است؟ و آیا بهتر نیست این موارد را ابتدا از تفاسیر قرآن و کتاب‌های موضوعی - عقیدتی بیاموزند و سپس با توشه‌ای مناسب در محضر قرآن بنشینند و به تدبر مستقیم پردازند؟
- ۷- باید راهی بین افراط و تفریط یافت و گشود؛ نه تفسیر به رأی (ص ۱۹) و نه مسدود دانستن راه تدبر (ص ۲۹)؛ هر دو این مواضع ناصواب و مخاطره آمیزند.<sup>۲</sup>
- ۸- برخی برداشت‌ها از مقوله تفسیر و مفسران اغراق آمیز و ناصواب می‌نمایند. به عنوان مثال آن‌جا که ادعا شده است: «فهم تفسیر وابسته به متن آیات نیست».
- ۹- به رغم این ادعا که «روش تحقیق موضوعی، تفسیر نیست»؛ اما می‌توان شباهت‌های معناداری میان آن با روش حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر نور و ... دید.
- ۱۰- نمی‌توان منکر این واقعیت شد که وسوسه تسریع در به مرحله عمل در آوردن تداعی‌های آزاد حاصل شده در مباحث نظری و بحث‌های کارگاهی قبل از بررسی نقادانه و به محک خبرگان زدن دیدگاه‌های به‌دست آمده، ممکن است به رفتارهای افراطی بیانجامد.

### نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ اصول؛ مفروضات؛ الزامات و برخی نتایج آن پرداخته شد و مزایا و معایب آن به صورت اجمالی فهرست گردید. اشاره شده که برخی از نواقص مطرح شده صوری و قابل اصلاح هستند و برخی نواقص روشی قابل تکمیل، با افزودن و تدقیق متدولوژیک اما برخی از این ایرادات مبنایی بوده و چالش‌های اساسی آینده روش می‌باشند. این موارد به هیچ عنوان قابل اغماض نیستند؛ نیل به پروتستان‌تیزم؛ التقاط‌گرایی و جزئی‌نگری از جمله این چالش‌ها محسوب می‌گردند.

ماحصل آن‌که رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم دکتر لسانی را نمی‌توان مصداق کامل آن‌چه مرحوم علامه طباطبایی (ره) «تفسیر قرآن به قرآن از طریق تدبر در قرآن» می‌نامیدند، دانست. باید گفت که روش تحقیق موضوعی به لحاظ صوری تلاشی است برای تطبیق چارچوب کلاسیک روش

۱. شاید بتوان بحث مدیریت در قرآن در فصل پنجم کتاب را که مدیریت را معادل با اطاعت پذیری دانسته؛ از این منظر تفسیر کرد.  
 ۲. نقل قول روش تحقیق موضوعی را بنگرید: برای تحقیق موضوعی در قرآن و گزینش آیات، هیچ نیازی به احاطه و تسلط بر قرآن (که البته محال است) نمی‌باشد و فقط با مراجعه به معجم المفهرس یا برخی از نرم افزارهای معتبر، می‌توان آیات مربوط به موضوع را برگزید. (ص ۲۹)

تحقیق عام در موضوع قرآن پژوهی که با افزودن متدهای جدیدی از علوم اجتماعی از جمله ذهن انگیزی و ... قوام یافته است.  
به نظر می‌رسد بایستی تدبر در قرآن کریم را امری تشکیکی بدانیم و دارای مراتب و سطوحی که از این منظر، تفسیر و تحقیق موضوعی نه اموری مستقل بلکه مرتبط با هم خواهند بود.



## منابع

- آملی لاریجانی، صادق (۱۳۷۷). زبان دین و زبان علم، شماره جلد ۱۶ و ۱۷- پائیز و زمستان ۱۳۷۷ انتشارات حوزه و دانشگاه
- جوادی آملی، آیت... عبدا... (۱۳۸۱). دین شناسی، انتشارات اسراء.
- حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۰). آموزه های آنالوژی قرون وسطی بر مبنای نظر ای جی. اشوورث، فصلنامه تاریخ فلسفه، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۰.
- حسینی گلکار و یحیی کبیر (۱۳۹۱). رویکرد حقوقی در دین پژوهی و عدم امکان استقراء تام در رهیافت های مطالعات دینی، فصلنامه آیین حکمت، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۱.
- حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۳). دستینه روش های آینده پژوهی. موسسه فرهنگی هنری حامیم و پژوهشکده آینده پژوهی سلامت.
- حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۳). نقدی بر منطق شعر. موسسه فرهنگی هنری حامیم و نشر سبز رایان.
- حسینی گلکار و محمدرضایی (۱۳۹۳). آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟. فصلنامه حکمت و فلسفه، سال دهم، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۳.
- خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۷۸). آداب الصلاه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
- خندان، علی اصغر (۱۳۸۶). مغالطات. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و موسسه بوستان کتاب.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۶). زبان دین در فلسفه و کلام اسلامی، شماره پیاپی ۲۳.
- قاضی زاده، محمد علی؛ لسانی فشارکی، محمد علی و مهدوی راد، محمد علی (۱۳۸۷). التفسیر الموضوعی تعریفه أقسامه مشروعیه علاقه بأنواع التفاسیر الأخری، العلوم الانسانیة الدولیه الجمهوریه الاسلامیه الایرانیة، شماره ۱۵ (۴): صص ۹۵ تا ۱۱۸، پاییز ۱۳۸۷.
- لسانی فشارکی، محمد علی و پورمحمدی، ابوذر (۱۳۸۸). بررسی مفهوم تفکر در قرآن، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۳: صص ۱۳۱ تا ۱۶۲، تابستان ۱۳۸۸.
- لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۹). روش تحقیق و پژوهش در قرآن کریم، رشد آموزش قرآن، شماره ۲۹: صص ۳ تا ۹، تابستان ۱۳۸۹.
- لسانی فشارکی، محمد علی و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۱). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. قم، بوستان کتاب.
- محمدرضایی، محمد و حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۸۹). آیا نظریه معقولیت برهان است؟، فصلنامه حکمت و فلسفه، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۹.
- محمدرضایی و حسینی گلکار (۱۳۹۳). بیست گفتار انتقادی در فلسفه های مضاف. موسسه فرهنگی هنری حامیم و انتشارات سبز رایان.
- بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده پژوهی، علوم انسانی برای عصر جدید، ترجمه آقایان تقوی و محقق، مرکز آینده پژوهی فناوری های دفاعی.